



چکیده

پیشینه مناره مسجد جامع کاشان، با توجه به کتیبه آن به سال ۴۶۶ق بازمی‌گردد. یکی از ویژگی‌های بارز آثار معماری بازمانده از این زمان از جمله مناره‌ها، استفاده گسترده و ماهرانه از آجر و پیوستگی تزیینات آجری با ساختار بناهاست. در مناره کاشان برخلاف سایر نمونه‌های هم‌دوره، کاربری ماهرانه آجر به چشم نمی‌خورد. همچنین تصاویری که از این مناره در هنگام آسیب‌دیدگی نمای آن در دست است، نشان می‌دهد که میان نما و ساختار پیوندی وجود نداشته و نما چون پوسته‌ای مجزا بدنه مناره را در بر گرفته بوده است. همین امر سبب شده تا طی زمین‌لرزه سال ۱۱۹۲ هجری قمری یا به دلایل دیگر، بدون فروریختن ساختار مناره، نمای آن دچار آسیب جدی شود. به همین دلیل، صورت تزیینات اصیل و اولیه بنا و نیز میزان تطابق تزیینات پس از مرمت با صورت اصیل آن مشخص نیست. هدف مقاله حاضر این است که با بررسی اسناد تصویری، بخش‌های اصیل مناره را شناسایی کند و نسبت تزیینات فعلی را با صورت اصیل آن بسنجد و سپس به‌علت به‌کارگیری فنی متفاوت از فنون رایج زمانه در ساخت این مناره دست یابد. راهبرد این تحقیق، تفسیری تاریخی و

بررسی تزیینات
آجری مناره
مسجد جامع کاشان



•
•
•
•
•
•
•

* استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، نویسنده مسئول، alemi@kashanu.ac.ir
** کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان، n.asadich@gmail.com
*** کارشناس ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی، s_kamali_2006@yahoo.com

توصیفی تحلیلی است و داده‌های آن از خلال اسناد تصویری و متون و نیز از راه مطالعات میدانی گردآوری شده‌اند. حاصل این پژوهش آن است که طی مرمت، تزیینات مناره اغلب بدون توجه به نقوش قبلی، از نو ساخته شده‌اند. حتی در کتیبه نیز که بر اساس تصاویر دچار آسیب جدی نبوده است، دخل و تصرف‌هایی دیده می‌شود. همچنین درباره تفاوت در فن اجرای تزیینات، بررسی‌ها در این مقاله منجر به این فرضیه شده است که مناره کاشان در دوره سلجوقی از اساس ساخته نشده بلکه مربوط به دوره‌های پیشین و احتمالاً جزئی از مسجد اولیه بوده و در دوره سلجوقی نمایی آجری بدان افزوده شده است.

کلیدواژه‌ها: کاشان، مسجدجامع، مناره، ساختار، تزیینات.

۱. مقدمه

پیشینه مناره مسجدجامع کاشان به گواهی کتیبه مندرج روی آن، به نیمه دوم سده پنجم هجری قمری و دوره سلجوقی بازمی‌گردد. آثار معماری به‌جامانده نشان می‌دهد که در این زمان کاربست آجر در بناها و به‌کارگیری آن در تزیینات، نسبت به دوره‌های پیشین پیشرفت چشمگیری داشته است؛ به‌طوری که برخی صاحب‌نظران این دوره را دوران اعتلای هنر آجرکاری در ایران می‌دانند. از این رو انتظار می‌رود که مناره مسجدجامع کاشان نیز همچون بسیاری از آثار هم‌دوره، از حیث شیوه به‌کارگیری آجر در ساختمان و تزیینات، غنی و پرکار باشد. اما بررسی مناره نشان می‌دهد که پوسته بیرونی آن در وضع موجود و نیز در قیاس با سایر مناره‌ها غنای چندانی ندارد. بر اساس تصاویر در دسترس از این مناره در دهه‌های گذشته، نمای مناره یک بار، در زمانی نامعلوم و طی حادثه‌ای که آن نیز به‌درستی روشن نیست، فرو ریخته است و تنها بخش‌های پایینی آن از آسیب جدی مصون مانده‌اند. بنابراین آنچه امروز بر بدنه مناره دیده می‌شود، تزیینات اصیل سده پنجم هجری نبوده و طی مرمت در دهه ۱۳۵۰ شمسی بر سطح مناره اجرا شده است. جدایی نمای خارجی و تزیینات مناره از ساختار آن، موضوع جالب توجهی است که در سایر مناره‌های هم‌دوره و حتی میل‌های ساخته‌شده در دورافتاده‌ترین نقاط نیز نمونه مشابهی ندارد و از کیفیت فن ساخت در دوره سلجوقی و هشت‌وگیری نما با ساختار در بناهای این دوره نیز به دور است؛ چنان‌که گمان می‌رود معمار یا سازنده بناها در این دوره، با شیوه دیگری به جز ساخت هم‌زمان نما و سازه آشنا نبوده است. بنا بر آنچه گفته شد، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ دو پرسش اصلی است: نخست اینکه هم‌اکنون چه میزان از تزیینات اصیل مناره به جا مانده است و تزیینات اجراشده در طی مرمت، چه نسبتی با تزیینات اصیل مناره دارند؟ و پرسش دوم اینکه چرا در این مناره شیوه متداول در سده پنجم و بناهای هم‌دوره به کار

گرفته نشده است؟ با وجود آنکه برخی پژوهش‌ها به دپوسته بودن مناره مسجدجامع کاشان اشاره کرده‌اند، علت این موضوع در هیچ‌یک بررسی نشده و تاکنون نمای بیرونی مناره، موضوع هیچ پژوهشی نبوده است. اریک شرودر در سال ۱۹۳۶ میلادی با انتشار تصویری از کتیبه مناره مسجدجامع کاشان، آن را نمونه اولیه آجرکاری پرجزییات دانسته است (Schroeder, 1936: 130). اما پوپ و اکرم‌ن در ۱۹۳۹ میلادی و در کتاب *سیری در هنر ایران*، از این مناره به‌عنوان نمونه کاربرد نامناسب آجر در ساختمان‌های قرن پنجم میلادی یاد کرده‌اند (پوپ و اکرم‌ن، ۱۳۸۷: ج ۳، ۱۲۴۴). شیلا بلر در کتاب *نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین* که در سال ۱۹۹۱ میلادی منتشر شده است، علاوه بر بررسی ساختار و محتوای کتیبه مناره مسجدجامع کاشان، به مرمت ناردست مناره و صدمات واردشده به کتیبه در پی این تعمیرات اشاره کرده است (بلر ۱۳۹۴، ۲۲۷). در پژوهش دیگری که زیر نظر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی صورت گرفته و در سال ۱۳۷۸ با عنوان *منار عنصر هویت‌بخش در مسجدجامع کاشان* به چاپ رسیده، تنها توصیفی از مناره و تزیینات آن ارائه شده است و این پژوهش اطلاعات اولیه‌ای درباره مناره در اختیار می‌گذارد (ارجمندفرد و زمانی‌فرد، ۱۳۷۸). در مقاله «نخستین یادگار دوران اسلامی کاشان» نیز که آخرین پژوهش صورت‌گرفته با موضوع این مناره است، تنها به بررسی فرم، سازه و شیوه ساخت مناره مسجدجامع کاشان بدون در نظر گرفتن نمای بیرونی و تزیینات آن پرداخته شده است (عالمی، کمالی و اسدی، ۱۳۹۸). از این منظر و با توجه به نبود پژوهشی متقن درباره تزیینات این مناره، این پژوهش دو هدف را دنبال می‌کند؛ نخست در پی آن است که تزیینات اصیل مناره را تا حد امکان شناسایی کند و ارتباطش را با آنچه امروز بر نمای مناره دیده می‌شود، بیابد و سپس علت به‌کارگیری شیوه‌ای متفاوت از شیوه معمول در ساخت این مناره را جست‌وجو کند. هدف نخست با بررسی اسناد تصویری در دسترس از مناره و نیز مستندنگاری وضعیت فعلی آن قابل دست‌یابی است و از این طریق می‌توان تا اندازه‌ای صحت تزیینات فعلی را ارزیابی کرد. اما نیل به هدف دوم علاوه بر بررسی مناره و به‌ویژه کتیبه آن، با جست‌وجو در منابع مکتوب و نیز مقایسه با نمونه‌های مشابه میسر می‌شود. راهبرد تحقیق توصیفی-تحلیلی و تفسیری-تاریخی است و نتایج بر اساس مشاهدات، خوانش منابع و اسناد موجود و تحلیل تفسیر آن‌ها به دست می‌آیند.

۲. معرفی مناره

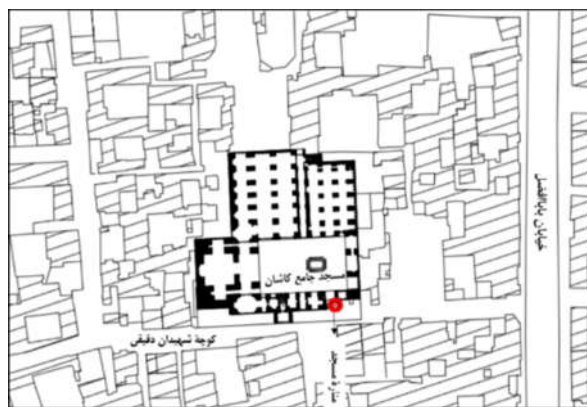
بررسی تزیینات
آجری مناره
مسجدجامع کاشان



اسلامی در منطقه کاشان است. روی تک‌مناره این مسجد کتیبه‌ای وجود دارد که در آن تاریخ ۴۶۶ ق درج شده است. این تاریخ علاوه بر آنکه مناره را در زمره اولین مناره‌های تاریخ‌دار ایران قرار می‌دهد، پیشینه مسجد جامع کاشان را نیز دست‌کم تا سده پنجم به عقب می‌برد. مناره در شمال شرقی صحن مسجد به‌گونه‌ای استقرار یافته که از گنبدخانه و شبستان‌های آن فاصله دارد (تصویر ۱).



تصویر ۲: مناره و مغازه‌ای که پایه مناره را در بر گرفته است.



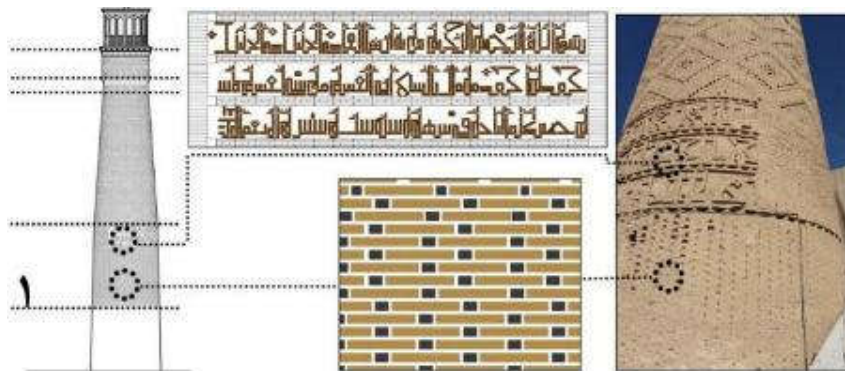
تصویر ۱: موقعیت مسجد جامع کاشان و مناره آن

این مناره با ۲۴/۳۰ متر ارتفاع، همچون اغلب مناره‌ها فرمی مخروطی دارد و از بخش‌های پی، پایه، ساقه و مأذنه تشکیل شده است. پایه مناره، پایین‌تر از سطح صحن و هم‌تراز با معبر مجاور مسجد و در مغازه‌ای قرار دارد (تصویر ۲) و از آنجا که در نمای آن جز اندود گچی ساده به کار نرفته، موضوع این پژوهش نیست. ساقه مناره خود از سه بخش بدنه ساقه، پلکان و دکل میانی تشکیل شده است. مقصود از بدنه، جداره خارجی مناره است. دو ورودی مناره، یکی در تراز صحن مسجد و دیگری هم‌تراز با بام بناهای جبهه شمالی و شرقی صحن، و نیز دو گشودگی دیگر برای تأمین نور و هوای پلکان، در همین بخش تعبیه شده‌اند. همچنین این بخش پلکان مناره را که از ورودی هم‌تراز صحن آغاز شده و در خلاف جهت عقربه‌های ساعت حول شفت میانی چرخیده‌اند، در بر می‌گیرد.^۱ بخش عمده‌ای از تزیینات آجری که مقصود این پژوهش است نیز روی همین بخش از مناره مشاهده می‌شود. بالاترین بخش مناره نیز که سرپوش یا مأذنه نام دارد، از چهارده ستونک باریک تشکیل شده است. تصاویر قدیمی‌تر نشان می‌دهد که این بخش

از مناره در حادثه‌ای نامعلوم تخریب و مجدداً بازسازی شده است. جنس این ستونک‌ها از فلز با روکشی از سیمان سفید و آجر است و در فاصله میان آن‌ها نیز طاق‌هایی از همین جنس و شبکه‌ای آجری به‌عنوان جان‌پناه وجود دارد (تصویر ۶). اما توصیف کلانتر ضرابی از مسجد جامع کاشان نشان می‌دهد که پیش از تخریب و ساخت مجدد آن با فلز، این جزء از مسجد چوبی بوده است. این مناره در سال ۱۳۱۵ شمسی با شماره ۲۵۲ در فهرست آثار غیرمنقول به ثبت رسیده است. از تعمیرات آن گزارش دقیقی در دست نیست؛ اما بر اساس نظر استادکاران و نیز تصاویری که از مناره در حین تعمیر تهیه شده، مناره دست‌کم یک بار در دهه ۱۳۵۰ شمسی مرمت شده است.

۲. مستندنگاری تزیینات آجری موجود مناره

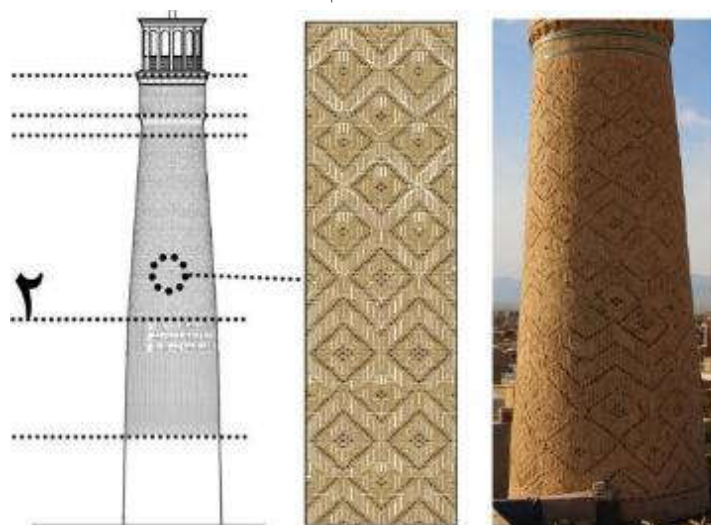
بر نمای خارجی مناره، پنج سطح کلی با پنج تزیین مختلف می‌توان دید. بخش اول در فاصله صحن مسجد تا بام بخش شرقی (میان دو ورودی مناره) است. در این بخش ابعاد آجرها $۲/۵ \times ۳۲ \times ۳۲$ سانتی‌متر است که با بندهای عمودی ضخیم، آجرچینی با طرح سبلی را تداعی می‌کنند. این نقش، مهم‌ترین بخش نمای مناره، یعنی کتیبه آجری آن را در بر گرفته است. کتیبه نیز همچون سایر بخش‌های ساقه از جنس آجر است و کلمات آن به خط کوفی مورق و با هم‌نشینی قطعات آجر نوشته شده است. در بعضی قسمت‌ها، همچون انتهای حروف قائم آجر پیش‌بُر و تراشیده به کار رفته تا ایجاد فرم تزیینی برگ‌مانندی بر بالای این حروف میسر شود (تصویر ۳).



تصویر ۳: جزئیات آجرکاری بخش اول تزیینات

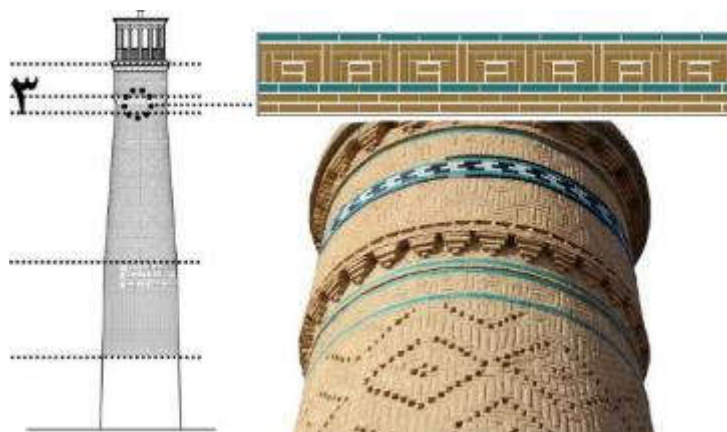
مرز میان کتیبه و آجرچینی پیرامون آن، از بالا و پایین با دو ردیف آجر به‌صورت راسته و یک ردیف دندان‌موشی در میان مشخص شده و پایین‌ترین ردیف دندان‌موشی از محدوده کتیبه فراتر رفته و یک دور کامل روی مناره اجرا شده است. در سایر بخش‌های بدنه مناره تا ارتفاع

حدود ۹ متر بعد از آن (از بالای کتیبه تا زیر روزن دوم)، پوشیده از آجر است که به صورت رگ چین جناغی اجرا شده و طرح لوزی شکل را تا بالای بدنه ایجاد کرده است. در میان نقوش لوزی شکل، گل اندازهای آجری یازده تایی دیده می شود که از یکنواختی سطح مناره می کاهد. در وضع موجود، نقوش لوزی ایجاد شده روی مناره نظم مشخصی ندارند و در بخش های مختلف ابعاد و شکل لوزی ها و نحوه چینش آنها در کنار هم با بی نظمی بسیاری همراه است (تصویر ۴).



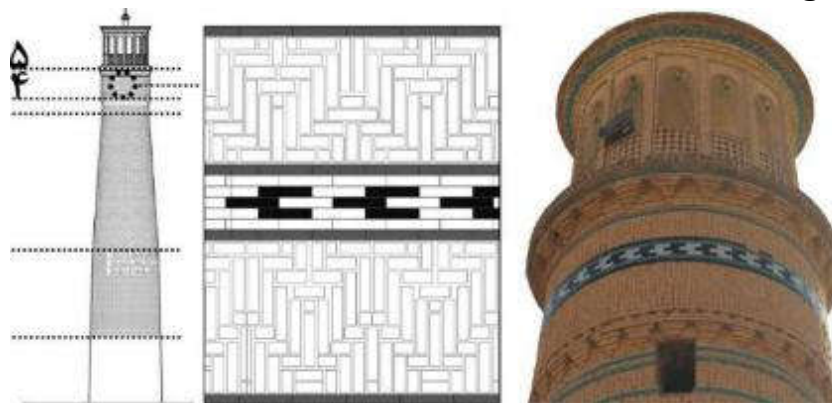
تصویر ۴: جزئیات آجر کاری بخش دوم تزیینات

در بالاترین بخش ساقه سه ردیف کاشی فیروزه ای وجود دارد و در حفاصل دو ردیف از آنها شکل آجر چینی نیز تغییر یافته است (تصویر ۵).



تصویر ۵: جزئیات آجر کاری بخش سوم تزیینات

بیشترین تنوع در تزیینات مناره را در بالاترین قسمت و درست در زیر تراز کف سرپوش آن می‌توان دید. این بخش با دو ردیف مقرنس آجری در ابتدا و انتهای آن تعریف شده و چیدمان آجرها در فاصله این دو مقرنس، با سایر بخش‌های مناره متفاوت است. همچنین در این قسمت علاوه بر آجر لعاب‌دار فیروزه‌ای، تلفیقی از آجر سفید و مشکی نیز به کار رفته است. در بخش سرپوش مناره، چهارده ستونک باریک فلزی با روکشی از سیمان سفید و آجر دیده می‌شود و در فاصله میان آن‌ها، طاق‌هایی از همین جنس و شبکه‌ای آجری به عنوان جان‌پناه وجود دارد. تصاویر قدیمی موجود از مناره نشان می‌دهد که این بخش زمانی به کلی از بین رفته و سپس با مصالح جدید بر فراز مناره ساخته شده است (تصویر ۶).



تصویر ۶: جزئیات آجرکاری بخش چهارم و پنجم تزیینات

۳. تزیینات آجری مناره‌ها در سده پنجم

از نظر بسیاری از محققان، در سده‌های پنجم و ششم هجری و مقارن حکومت سلجوقیان بر ایران، آجر پرکاربردترین مصالح در ساخت و تزیین گونه‌های مختلف بنا بوده است. بسیاری از مساجد، کاروانسراها و مقابر برجی به‌جامانده از آن دوران نیز این ادعا را تأیید می‌کنند. حتی در مناره‌ها با وجود فرم مخروطی و پوسته منحنی‌شکل، تزیینات آجری پرکار اعم از نقوش و کتیبه‌ها را می‌توان دید. این نقوش اغلب نوارهایی با طرح‌های هندسی همچون لوزی‌ها و چندضلعی‌ها، خطوط زیگزاگ و مشبک‌ها هستند که با قرارگیری آجرها به صورت خفته و راسته یا به صورت پس و پیش ایجاد و منجر به شکل‌گیری احجام و سایه‌روشن‌ها بر سطح مناره شده‌اند. همچنین استفاده از خط کوفی تزیینی و گره‌های ساده اولیه در پیوند با اسکلت استخوان‌بندی بنا در بازمانده‌های آن دوران بسیار دیده می‌شود (آزاد، ۱۳۹۳: ۴۵). مناره مسجد پامناز زواره (۴۶۱ق)، مناره تاریخانه دامغان (۴۱۷-۴۲۰ق)، مناره مسجد برسیان (۴۱۹ق) و مناره

چهل دختران اصفهان (۵۰۱ق) مهم‌ترین مناره‌های سده مورد نظر و هم‌دوره با مناره مسجد جامع کاشان (۴۶۶ق) هستند که تزیینات آجری آن‌ها در جدول (۱) معرفی شده است. بررسی اجمالی تزیینات این مناره‌ها نشان می‌دهد که همگی نقوش و خطوط مشترکی دارند؛ اما برخلاف آنچه در مسجد جامع کاشان به چشم می‌خورد، سطح مناره‌ها یکدست نیست بلکه کاربست نقوش با برجستگی‌ها، فرورفتگی‌ها و سایه‌روشن‌ها بر سطح مناره همراه است و همین سایه‌روشن‌ها و پروخالی‌های ایجادشده بر سطح مناره، سبب می‌شود که تزیینات آجری پرکارتر و غنی‌تر و در عین حال پیوسته با ساختار مناره به نظر برسند.

جدول ۱: تزیینات آجری مناره‌های هم‌دوره با مناره مسجد جامع کاشان

(برگرفته از: آزاد، ۱۳۹۳؛ خزاعی و منصوری، ۱۳۹۵)

مناره مسجد پامنار زواره	مناره تاریخانه دامغان	مناره مسجد برسیان	مناره چهل دختران
کتیبه کوفی، خفته و راسته، کلوک‌بندی	کتیبه کوفی، خفته و راسته و نقوش لوزی و گل‌انداز	کتیبه کوفی، خفته و راسته، گل‌انداز	کتیبه کوفی، نقوش لوزی و مثلث و هشت‌ضلعی، خفته راسته، خطوط زیگزاگ
			

۴. بررسی تزیینات بر اساس اسناد تصویری

تغییرات بسیار بدنه خارجی مناره مسجد جامع کاشان در طی تعمیرات، تشخیص تزیینات اولیه و کم‌وکیف آن را با دشواری روبه‌رو می‌کند. از سویی، نبود مستندنگاری دقیق از مسجد جامع و کمبود متون و تصاویری که از این مسجد و جزئیات آن پیش از مرمت خبری داشته باشند، بر این دشواری می‌افزاید. اما دقت در همین منابع اندک و تفسیر آن‌ها نیز می‌تواند اطلاعات ارزنده و مهمی درباره مسجد و مناره آن در اختیار بگذارد. در ادامه این اسناد و منابع، به ترتیب تاریخ انتشار آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۴. تزیینات مناره در ترسیم مادام دیولافوا از مناره مسجد جامع کاشان

مادام ژان دیولافوا که در حدود سال ۱۸۸۰م برای انجام کاوش‌های باستان‌شناسی به ایران سفر کرده، از کاشان نیز گذشته و شرح سفر خود را در کتاب *ایران، شوش و کلبه* نوشته است. در یادداشت‌های مربوط به سفر او به کاشان، ترسیمی از معبر مجاور مسجد جامع کاشان به چشم می‌خورد که آن را با عنوان «یکی از کوچه‌های کاشان و مسجد جامع» معرفی کرده است. نکته جالب توجه در ترسیم او از مناره مسجد، مشخص کردن بخش‌های مختلف مناره و تزیینات آن است. او در پایین‌ترین بخش مناره، بافتی ایجاد کرده است که همان طرح سبدهی آجرهای پایه مناره را نشان می‌دهد. پس از این قسمت، او سه ردیف مجزا را با خطوطی نمایش داده است که حدود کتیبه مناره را مشخص می‌کند. سپس، محدوده‌ای روی بدنه مناره مشخص شده است که بافتی لوزی‌شکل دارد و از وجود نقوشی به همین شکل روی بدنه مناره حکایت می‌کند. این محدوده با یک نوار افقی از بخش بالایی جدا شده است و پس از آن هیچ طرح ویژه‌ای روی مناره به چشم نمی‌خورد (تصویر ۷). علاوه بر ترسیم، متن سفرنامه و یادداشت دیولافوا درباره مسجد جامع کاشان نیز نکاتی را روشن می‌کند. او درباره مسجد نوشته است: «باری در مراجعت، از مقابل مسجد جمعه گذشتیم و در راه به یک منار قدیمی هم برخوردیم که موزاییک قسمت زیرین آن با آجرهای صیقلی یک‌رنگ هنوز محفوظ مانده و جلوه خوبی داشت. من از راهنمای خود پرسیدم که آیا ممکن است در این مسجد وارد شد؟ تصور می‌کنم چون قسمتی از آن خراب شده، ورود به آن مانعی نداشته باشد» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۲۱۳).

از یادداشت دیولافوا برمی‌آید که در سال ۱۲۵۹ شمسی و هنگام بازدید او، مسجد وضعیت مناسبی نداشته و بخش‌هایی از آن دچار خرابی بوده است اما در ترسیم او، آثار خرابی چندانی بر مناره مشهود نیست. به هر ترتیب، ترسیم و یادداشت دیولافوا، از حیث زمانی اولین سندی است که درباره مسجد در دست است. بنابراین دقت در اطلاعات موجود در این دو، برای شناخت تزیینات مناره در آن دوره ضروری به نظر می‌رسد. اولین نکته‌ای که در یادداشت او مشهود است، اشاره به واژه «موزاییک»^۳ و «آجرهای صیقلی تکرنگ» در بخش زیرین مناره است. این اشاره دیولافوا، این گمان را ایجاد می‌کند که مناره مسجد جامع در زمانی پیش از فرو ریختن نما، احتمالاً دارای تزییناتی از آجر لعاب‌دار نیز بوده است. از طرفی در ترسیم او، بخش پوشیده با نقش لوزی با نواری از بخش‌های بالایی جدا شده است که نمونه آن را در منار زین‌الدین کاشان می‌توان دید (تصویر ۸ و ۹). در این مناره، سطح کمر بند یاد شده با آجر لعاب‌دار پوشیده شده است. بنابراین

بررسی تزیینات
آجری مناره
مسجد جامع کاشان



محتمل است که در مناره مسجد جامع نیز نوار یا نوارهایی از آجر لعابدار وجود داشته که در تعمیرات بعدی از اجرای آنها صرف نظر شده است. به علاوه در بخش زیرین مناره مسجد جامع نوش آباد (تصویر ۱۰) که آن نیز یکی از بازمانده‌های سلجوقی در منطقه کاشان است، ترکیبی از کاشی و آجر را می‌توان دید. با وجود این، به دلیل نبود تصویری که وجود چنین کمربندی را بر سطح مناره تأیید کند، نمی‌توان در این باره نظر قطعی داد.



تصویر ۹: مناره زین‌الدین در حدود ۱۳۲۰ش، عکاس هنری ویوله (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۳۹)



تصویر ۸: ترسیم دیولافسوا از منار زین‌الدین کاشان در ۱۲۵۹ش (Ibid)



تصویر ۷: ترسیم دیولافسوا از مسجد جامع کاشان در ۱۲۵۹ش (Dieulafoy, 1887: 199)



تصویر ۱۰: مناره مسجد جامع نوش آباد

از سویی از ترسیم دیولافوا به‌طور دقیق مشخص نیست که کمر بند یادشده در چه ارتفاعی از مناره وجود داشته است؛ زیرا در تصاویر دیگری که هنری ویوله و اریک شرودر به‌ترتیب در فاصله ۵۶ و ۶۱ سال بعد از ترسیم دیولافوا از بنا گرفته‌اند و در بخش‌های بعدی به آن‌ها پرداخته می‌شود، بخش پایینی مناره سالم است و در آن اثری از نوار کاشی وجود ندارد. دقت در یادداشت دیولافوا و نیز نسخه اصلی سفرنامه او نشان می‌دهد که محتمل است او درباره مناره دیگری به‌جز مناره مسجدجامع کاشان گزارش داده باشد؛ مناره‌ای که در راه رسیدن به مسجدجامع با آن مواجه شده است. نگاهی به موقعیت مناره‌های کاشان نشان می‌دهد که در نزدیکی مسجدجامع کاشان مناره زیارت پنجه‌شاه وجود دارد (تصویر ۱۱) که در حال حاضر و پس از مرمت‌های اخیر بدنه آن پوشیده از کاشی است و احتمال دارد که مقصود دیولافوا همین مناره بوده باشد.



تصویر ۱۱: موقعیت زیارت پنجه‌شاه و مسجدجامع کاشان نسبت به یکدیگر در نقشه دارالخلافه

بررسی تزیینات
آجری مناره
مسجدجامع کاشان

۲-۴. بررسی تزیینات مناره در تصویر اریک شرودر

اریک شرودر در سال ۱۹۳۵م (۱۳۱۵ش) و پیش از مرمت مناره تصویری از آن تهیه کرده و یک سال بعد آن را در مقاله‌ای منتشر کرده است. او تصویر را از سمت جنوب مناره و به صورتی گرفته که تنها بخش پایینی مناره در آن مشخص است (تصویر ۱۳). در این تصویر، در بخش زیرین کتیبه همان طرح سبلی دیده می‌شود که امروز هم وجود دارد. بخش ابتدایی کتیبه (سمت راست آن) در تصویر مشخص نیست اما در بخش انتهایی، آثار آسیب و ریختگی آجرهای حروف به خوبی دیده می‌شود. در بالای کتیبه نیز بخشی از طرح‌های لوزی شکل که طی مرمت در سراسر بدنه تکرار شده‌اند به چشم می‌خورد. طرح‌های لوزی شکل در این تصویر به اندازه یک و نیم بار تکرار شده‌اند و پس از این تکرار، نمای مناره آسیب دیده است. در بخش آسیب دیده نیز می‌توان دید که آجرهای نما اتصال خوبی با بدنه اصلی و ساختار مناره ندارند و تنها روی آن چسبانده شده‌اند. از سویی در بخش‌های سالم، نشانی از غنای آجرکاری مرسوم در دوره سلجوقی دیده نمی‌شود. پوپ معتقد است که علت این ضعف در آجرکاری، در بناهای ایران مرکزی در سده پنجم، به این دلیل است که استادکاران همین منطقه آن‌ها را اجرا کرده‌اند و نه خراسانی‌ها. او در این مورد به‌طور ویژه از مناره مسجد جامع کاشان نام برده و آن را نمونه‌ای از عملکرد ناشیانه استادکار در انتخاب آجر و اجرای آجرکاری دانسته است (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ج ۳، ۱۲۴۴).

شیرا بلر در کتاب *نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین*، تصویر شرودر را در کنار تصویری با همان کادر و زاویه قرار داده که هنگام مرمت مناره در دهه ۱۹۷۰ میلادی گرفته شده است (تصویر ۱۲). این عکس امکان مقایسه تزیینات مناره را پیش و پس از مرمت فراهم می‌کند. به چند و چون اثرات مرمت بر کتیبه، در بخش بعدی به تفصیل پرداخته می‌شود؛ اما قیاس تزیینات بالای کتیبه نشان می‌دهد که نقوش لوزی شکل از اساس بازسازی شده‌اند؛ زیرا لوزی‌های موجود در تصویر شرودر دارای ابعاد مشخص و برابر هستند و فاصله آن‌ها از یکدیگر نیز اندازه منظم و معینی دارد. طوری که فواصل آن‌ها نیز خود، نقشی قابل تشخیص به دست داده‌اند. اما در تصویر دیگر، ابعاد همان لوزی‌ها دستخوش تغییر شده و ترتیب و انتظام آن‌ها به کلی از بین رفته است. این موضوع نشان می‌دهد که مرمت مناره، به طرز ناشیانه‌ای صورت گرفته و ضمن آن بخش‌های سالم‌نما مخدوش شده‌اند. بنابراین تزیینات حال حاضر مناره، به‌ویژه آن‌ها که از نیمه مناره تا مأذنه هستند، چندان متکی به تزیینات اولیه اجرا نشده‌اند و در نتیجه قابل اعتماد نیستند.



تصویر ۱۳: مناره پیش از مرمت در ۱۹۳۵م
(Schroeder, 1936)



تصویر ۱۲: مناره بعد از مرمت دهه ۱۹۷۰م
(پلر، ۱۳۸۷: ۲۲۸)

۳-۴. بررسی تزیینات در تصویر هنری ویوله

شش سال پس از عکاسی شرودر از مسجدجامع کاشان و در سال ۱۹۴۱ میلادی (۱۳۲۰ش)، هنری ویوله عکسی از معبر مجاور مسجد گرفته است (تصویر ۱۴). برخلاف تصویر شرودر که کادری بسته دارد و تنها بخشی از مناره را نشان می‌دهد، ویوله دورنمایی از مناره ارائه کرده که در آن می‌توان بخش‌های نامشخص در تصویر شرودر را تا حدودی دید. این عکس ابتدا اطلاعات جالبی درباره مسجد و محیط پیرامون آن در اختیار می‌گذارد. از جمله نشان می‌دهد که نحوه ورود به مسجد و دسترسی به بام، با وضع فعلی تفاوت‌هایی داشته است.^۴

همچنین روشن می‌کند که در یک سمت ورودی، صفه‌ای با ارتفاعی معادل دو پله وجود داشته که محل نشستن افراد بوده است. در همین عکس مشخص است که در جداره پایین مناره، خبری از دکان آهنگری فعلی نیست و به جای آن یک در و یک گشودگی کوچک وجود داشته است. بر همین جداره آثاری نیز پیداست که از سرپوشیده بودن احتمالی گذر مقابل مسجدجامع تا حدود ورودی آن خبر می‌دهند. اما آنچه به‌طور مشخص موضوع این نوشتار است، وضعیت مناره در زمان عکس‌برداری از بناست. تصویر نشان می‌دهد که در آن زمان، مناره نیز همچون سردر و جداره‌های مسجد دچار آسیب جدی بوده و بخش عمده‌ای از پوسته خارجی آن فرو ریخته است. در پایین‌ترین بخش ساقه مناره که در عکس مشخص است، طرح مبهمی از آجرچینی سبلی را می‌توان دید و پس از آن، شمای کلی هر سه سطر کتیبه قابل تشخیص است. در سطح بالای کتیبه نیز خطوطی محو که نماینده نقش لوزی‌شکل هستند هویدا است. همان طور که پیش از این نیز اشاره شده در این عکس اثری از نوار کاشی بر بدنه مناره پیدا نیست. اما

درست در محل شروع آسیب‌نما، خطی روی مناره دیده می‌شود که به‌وضوح قوی‌تر از خط بند آجرهای بدنه مناره است و از طرفی در سطوح بالاتر نیز نمونه آن نیست. به هر ترتیب در حال حاضر، روی نمای مناره اثری از آن باقی نمانده است.



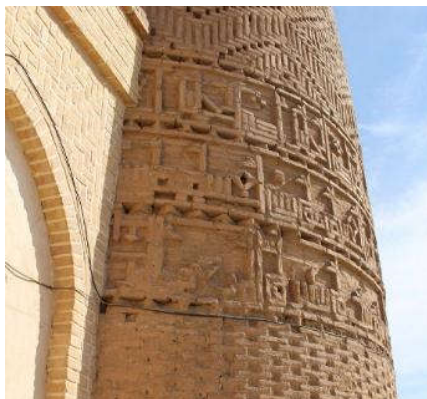
تصویر ۱۴: دورنمای مناره مسجدجامع کاشان در ۱۳۲۰ش، عکاس: هنری ویوله (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۷۴)

۵. بررسی کتیبه مناره مسجدجامع کاشان

با توجه به آنچه تصاویر نشان می‌دهند، در بین جزئیاتی که بر بدنه مناره قابل مشاهده است، تنها بخش‌های پایینی مناره از بدون دست‌خوردگی قابل توجهی از گذشته به جا مانده‌اند. کتیبه مناره نیز در همین بخش است و از این‌رو که دربردارنده تاریخ و اسامی نیز هست، اهمیت بسیاری دارد. در ادامه، نخست شکل ظاهری و شیوه ساخت این کتیبه و سپس محتوای آن بررسی می‌شود.

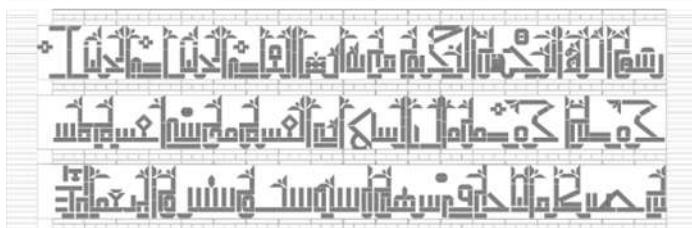
۱-۵. بررسی شکل ظاهری کتیبه مناره

کتیبه آجری مسجدجامع کاشان در ارتفاع ۸ متری از سطح معبر در قابی به عرض ۱۴۵ و طول حدود ۴۴۰ سانتی‌متر نوشته شده است و سه سطر را در بر می‌گیرد. این سطور با استفاده از ردیف آجرهای دندان‌موشی از یک‌دیگر و نیز از آجرکاری سطوح بالایی و پایینی خود مجزا شده‌اند. سمت راست کتیبه، در محل آغاز سطور، بدون مرز مشخصی، به آجرکاری بدنه متصل است و سمت چپ آن، جایی که سطور به پایان می‌رسند با بخشی از بنا تلاقی پیدا کرده است؛ به طوری که به نظر می‌رسد آن بخش از بنا، بخشی از کتیبه را پوشانده و پایان سطرها را مخدوش نموده است (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵: اتصال مناره با بنا که منجر به مخدوش شدن بخش پایانی کتیبه شده است.

کتیبه، همچون بسیاری از نمونه‌ها در بناهای قرون اولیه اسلامی، به خط کوفی موزون و با استفاده از آجر نوشته شده است و نمونه‌ای از کاربرد آجر تراشیده را به نمایش می‌گذارد. به‌ویژه در انتهای حروف قائم مانند الف و لام و در عناصر تزیینی که تنها نقش پرکننده فضای خالی بین حروف را بر عهده دارند، استفاده از این نوع آجر را به‌روشنی می‌توان دید. اغلب این عناصر، نقوش سه‌برگی هستند که از قرارگیری سه قطعه آجر در کنار هم ایجاد شده‌اند (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶: مستندنگاری کتیبه مناره مسجد جامع کاشان

در بین مناره‌های هم‌دوره با مناره کاشان، در کتیبه مسجد پامنار زواره (۴۶۱ق) نیز این پایانه‌های سه‌برگی وجود دارد و در تصاویر پیش از مرمت کتیبه مناره این مسجد، شباهت بسیار این تزیینات به تزیینات کتیبه مسجد جامع کاشان را آشکارا می‌توان دید (جدول ۲). علاوه بر این، شیوه نگارش و فرم برخی حروف در مناره مسجد جامع کاشان چنان به‌صورت حروف در کتیبه

بررسی تزیینات
آجری مناره
مسجد جامع کاشان

مناره مسجد پامنار شبیه است که گویی هر دو را یک نفر با یک اسلوب معین نوشته است (جدول ۳).

جدول ۲: پایانه‌های سه‌برگی در مناره مسجد پامنار زواره، مناره مسجد جامع کاشان و گنبدخانه دیلمی نطنز

مناره پامنار زواره (۴۶۱ق)	مناره مسجد جامع کاشان (۴۶۶ق)	گنبدخانه دیلمی (۳۸۹ق)
الله	الله	لله

جدول ۳: مقایسه حروف کتیبه مسجد جامع کاشان با مسجد پامنار زواره

(کتیبه زواره برگرفته از مساحی خوراسگانی، ۱۳۹۵)

مناره پامنار زواره (۴۶۱ق)	مناره مسجد جامع کاشان (۴۶۶ق)	حروف	مناره پامنار زواره (۴۶۱ق)	مناره مسجد جامع کاشان (۴۶۶ق)	حروف
الله	الله	ن	-	-	ص ض
ا	ا	و	-	-	ط ظ
ب ث	لا	ه	و	و	ع غ
ج ح خ	ح	ی	و	و	ف ق
د ذ	د	ال	-	-	ک
ر ز	ر	ل	ل	ل	ل
س ش	س	لا	س	س	م

بررسی‌های صورت‌گرفته روی مسجد پامنار نشان می‌دهد که پیشینه این مسجد به زمانی دورتر از تاریخ ثبت‌شده روی مناره‌اش می‌رسد و مناره حاصل نوسازی و گسترش مسجد در سال ۴۶۱ هجری قمری است (Peterson, 1977). نمونه مشابه دیگر عناصر تزئینی موجود بر مناره مسجد کاشان، در کتیبه گنبدخانه دیلمی مسجد جامع نطنز (۳۸۹ق) قابل بازیابی است

کاشان‌شناسی
شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)
بهار و تابستان ۱۳۹۸



(جدول ۲ و ۳) و شیلا بلر نیز به همین موضوع اشاره کرده است (بلر، ۱۳۹۴: ۲۲۹). بنابراین به نظر می‌رسد که استفاده از نقش سه‌برگی در انتهای حروف در کتیبه‌های آجری، در حدود قرن چهارم و پنجم هجری و حتی یک گستره جغرافیایی محدود (دست‌کم در کاشان و مناطق نزدیک به آن) امری رایج بوده است.

۲-۵. بررسی محتوای کتیبه مناره

متن کتیبه مناره مسجد جامع کاشان به دلیل مرمت‌های نادرست بعدی، به درستی قابل خواندن نیست. در وضع موجود، کلمات پایانی دو سطر اول که به طرز ناشیانه‌ای مرمت شده‌اند، تکرار کلمات ماقبل آن‌هاست. در این وضعیت، متن کتیبه به این صورت است: «بسم الله الرحمن الرحيم امر بینائها القاضی الجلیل... الجلیل... حمد بن احمد من مال الشیخ ابی القسم موسی القسم... بن... التاجر فی شهور سنة ست وستین و اربع مائه.» کلمات مشخص شده در این قرائت از کتیبه، همان کلماتی هستند که ضمن مرمت، بدون دلیل مشخصی تکرار شده‌اند. تصویری که اریک شرودر پیش از مرمت مناره تهیه کرده، به روشنی نشان می‌دهد که بخش پایانی سطرها نسبت به سایر بخش‌های کتیبه آسیب جدی‌تری دیده است (تصویر ۱۳) (Schroeder, 1936: 130-135).

اما این کلمات چندان هم ناخوانا نبوده‌اند. در سطر اول پس از واژه «الجلیل»، «الشه...» را می‌توان دید که بلر آن را «الشهید» خوانده است (بلر ۱۳۹۴، ۲۲۷). کاربرد واژه «شهید» به معنای کشته در راه خدا، در این کتیبه در صورتی صحیح است که مناره به دستور قاضی و پس از مرگ او ساخته شده باشد. اگر فرض بر این باشد که مناره به دستور قاضی و در زمان حیات او ساخته شده، در این صورت واژه «شهیر» به معنای نام‌آور واژه مناسب‌تری به نظر می‌رسد. به هر روی، چون از زمان مرگ قاضی اطلاع دقیقی در دست نیست، می‌توان هر دو واژه را برای کتیبه محتمل دانست.

در آخر سطر بعدی نیز، پس از واژه «موسی»، «ابن محمد» دیده می‌شود که اکنون جای خود را به واژه دیگری داده است. بنابراین محتوای کتیبه پیش از مرمت‌های اخیر به این صورت بوده است: «بسم الله الرحمن الرحيم امر بینائها القاضی الجلیل الشهید (الشهیر) {ابو} حمد بن احمد من مال الشیخ ابی القسم موسی بن محمد بن... التاجر فی شهور سنة ست وستین و اربع مائة (۴۶۶).» بر اساس این خوانش که با خوانش بلر اشتراکاتی دارد، مناره مسجد جامع کاشان به دستور یک قاضی ساخته شده است که نام آن به درستی قابل تشخیص نیست؛ اما در کتاب *التقص* که عبدالجلیل قزوینی رازی در حدود ۵۶۰ هجری تألیف کرده، به

حضور مدرسان و ائمه و فقها و مقریان و مؤذنان و قاضیان در کاشان آن زمان اشاره شده و به‌طور مشخص از قاضی شهر و اولاد او که آن‌ها نیز قاضی بوده‌اند نام برده شده است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۹۸). در میان این اسامی، نامی از قاضی نامبرده در کتیبه مسجد جامع وجود ندارد، ولی جایگاه و نقش مهم قاضیان را دست‌کم در کاشان در سده پنجم و ششم هجری می‌توان دریافت.

برای قاضی مورد نظر دو صفت نیز در کتیبه ذکر شده است: «جلیل» و «شهید». مطابق لغت‌نامه دهخدا، «جلیل» به معنای بزرگوار و آزموده‌کار و «شهید» به معنای کشته در راه خدا و لقبی است که در متون برای بعضی از شاهان و امرای سامانی، غزنوی، سلجوقی و قاجار به کار رفته است. بلر معتقد است که «جلیل» لقب رسمی امیران دیلمی بوده و رایج‌ترین صفتی است که در مدیحه‌ها، دستک‌های منشیان و تقدیمیه‌های کتب برای آن‌ها به کار رفته است. در بین کتیبه‌ها نیز در فاصله ۳۴۴ تا ۴۲۹ هجری قمری، یادگاری دوم عضدالدوله بر تخت جمشید (۳۴۴ق)، مناره تاریخانه دامغان، مناره مسجد جامع سمنان، دیوار بقعه دوازده امام یزد، بقعه چهل دختران دامغان و گنبد عالی ابرقو این صفت به چشم می‌خورد (بلر ۱۳۹۴). اما صفت جلیل در مناره کاشان خارج از بازه زمانی است که بلر معرفی کرده و نه برای یک امیر دیلمی بلکه برای یک قاضی به کار رفته است.

شیلا بلر نقش شیخ ابوالقاسم موسی بن محمد را در ساخت مناره، با تردید سرمایه‌گذار مناره دانسته است (همان). اما علت تردید او در این باره روشن نیست؛ زی عبارت «من مال» پیش از نام او ذکر و در پایان نامش نیز واژه «التاجر» نوشته شده است. به نظر می‌رسد عدم همخوانی «شیخ» با امر تجارت، بلر را از ذکر واژه تاجر در کتیبه منصرف کرده باشد. اما نکته قابل توجه این است که واژه «تاجر» لزوماً معطوف به شیخ ابوالقاسم نیست بلکه می‌تواند در تکمیل نام پدر او به کار رفته باشد. به این معنی که شیخ ابوالقاسم، فرزند تاجر بوده است، که البته نامش به خوبی در کتیبه خوانده نمی‌شود، و از این رهگذر است که او توانسته هزینه ساخت مناره را تأمین کند. ساختار این کتیبه نیز همان ساختاری است که بلر آن را اسلوب رسمی تنظیم کتیبه‌های احداثیه انواع بناها دانسته است (همان ۱۶). به این صورت که در ابتدا یک سرآغاز دارد و با صورت کامل بسم الله الرحمن الرحیم شروع شده است. سپس عبارت «أمرَ بینائها» نوشته شده است که یک عبارت مشترک در میان کتیبه‌های احداثیه است و نشان می‌دهد که عمل صورت‌گرفته، ساخت مناره بوده است. سپس بر نام مناره تأکید شده است تا

مشخص باشد آنچه بر مناره ثبت شده، تنها مربوط به مناره است و ارتباطی با سایر اجزای مسجد جامع ندارد. کلمات بعدی نیز معرف بانی و حامی ساخت مناره هستند و نشان می‌دهند که بنا به خواست و فرمان چه شخصی و از مال چه کسی احداث شده است. در آخر هم سال ساخت نوشته شده و کتیبه به پایان رسیده است.

۶. بحث و بررسی

بررسی وضع موجود مناره مسجد جامع کاشان و مطالعه اسناد تصویری در دست از آن و تطبیق این اسناد با یکدیگر و نیز با کالبد مناره، منجر به فرضیاتی درباره نمای بیرونی آن می‌شود و درباره صحت نمای آن پس از مرمت تردید ایجاد می‌کند. آنچه امروز بر نمای مناره دیده می‌شود، تکرار نامتوازن لوزی‌هایی است که نه ابعاد یکسانی دارند و نه در چینش آن‌ها ترتیبی وجود دارد. به علاوه مشخص نیست طرح تزیینات بخش سرپوش و مأذنه مناره برگرفته از کدام سند است و بر چه اساسی به این صورت اجرا شده است. دقت در تصاویر موجود تا اندازه‌ای تزیینات اولیه مناره را روشن می‌کند و دست کم نشان می‌دهد که کدام یک از طرح‌های اجرا شده بر مناره، مبتنی بر صورت اصیل آن است.

در هر سه تصویر بررسی شده، یعنی ترسیم دیولافوا (۱۸۸۰ م)، شرودر (۱۹۳۵ م) و هنری ویوله (۱۹۴۱ م)، می‌توان آثاری از نقوش لوزی شکل را بر مناره دید و در تصویر شرودر، کیفیت اجرای این نقوش و نظم آن‌ها نیز قابل دریافت است. اما مقایسه همین عکس با تصویری که بلر از وضعیت مناره در زمان بعد از مرمت ارائه کرده و نیز قیاس با وضع موجود، نشان می‌دهد که هنگام مرمت، حتی بخش‌های سالم و به‌جامانده نما نیز بازسازی شده‌اند. به علاوه در ترسیم ژان دیولافوا از مناره که قدیمی‌ترین سند تصویری مناره نیز به حساب می‌آید، علاوه بر نقوش لوزی شکل که پس از مرمت سراسر ساقه مناره را پوشانده‌اند، یک نوار روی ساقه ترسیم شده است. این نوار، محدوده نقوش لوزی و مرز میان آن‌ها و تزیینات بخش‌های بالایی ساقه را مشخص کرده است. همچنین در متن کتاب *ایران، کلد و شوش* به آجرهای لعاب‌دار تک‌رنگی اشاره شده که دیولافوا در بخش زیرین مناره دیده است. نوار مزبور درست مشابه چیزی است که خود دیولافوا بر بدنه مناره زین‌الدین کاشان رؤیت و سپس روی بدنه آن ترسیم کرده است.^۵ ارتفاع برخی از اجزای نمای مناره همچون کتیبه در ترسیم دیولافوا اندکی نادقیق است. از این رو نمی‌توان با استفاده از تصویر هنری ویوله که دورنمای مناره را ارائه می‌کند، وجود نواری از کاشی بر مناره را رد یا تأیید کرد؛ زیرا در

بررسی تزیینات

آجر مناره

مسجد جامع کاشان



تصویر او تنها بخش اندکی از نمای مناره سالم باقی مانده است. در هر صورت، اگر مقصود دیولافوا از مناره‌ای با آجرهای لعاب‌دار تک‌رنگ، مناره مسجد جامع کاشان بوده باشد و نه مناره دیگری، در وضع موجود جای نوار کاشی بر میان ساقه آن خالی است؛ به این معنی که مرمتگران یا از وجود آن به کلی بی‌خبر بوده‌اند و یا در بازسازی نما به کلی از آن صرف‌نظر کرده‌اند.

شاهد دیگری که نشان می‌دهد در مرمت بعدی مناره، اسناد تصویری موجود لحاظ نشده، نواقصی است که در مرمت کتیبه به چشم می‌خورد. مقایسه وضع موجود کتیبه با تصویر شرودر نشان می‌دهد که به‌رغم خوانا بودن کلمات پایانی سطور در تصویر، مرمتگر مناره کلمات اصلی را در جای خود قرار نداده و با تکرار کلمات پیشین، تنها جای خالی کلمات آسیب‌دیده را پر کرده است. این نوع از جایگزینی بدون توجه به آنچه در اصل وجود داشته است، نشان می‌دهد که در سایر قسمت‌های مناره نیز پایبندی چندانی به صورت اولیه مناره وجود نداشته و می‌توان در صحت نقوش و تزیینات این مناره تردید کرد. اما از آنجا که هیچ تصویری از مناره پیش از آسیب‌دیدگی وجود ندارد، تصور نقش اولیه و اصیل مناره دشوار و حتی ناممکن است.

حال پرسش اینجاست که چرا در این مناره که به گواهی کتیبه روی آن مربوط به دوره سلجوقی است، شیوه و فن ساخت رایج در این دوره به کار گرفته نشده است؟ چرا در مناره‌های هم‌دوره که دچار آسیب شده‌اند همچون مناره مسجد پامنار زواره نمونه دیگری که تنها نمای آن آسیب دیده باشد وجود ندارد؟ از نظر پیرنیا، در دوره سلجوقی نما و ساختار بناها از جمله مناره‌ها توأمان ساخته می‌شده است و تزیینات نه یک الحاق بعدی، بلکه جزئی از ساختار بنا به شمار می‌آمده‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۸). این هشت‌وگیری میان نما و بخش زیرین را در بناهایی که بخشی از آن‌ها فروریخته است به‌خوبی می‌توان دید. اما در مناره کاشان چنین نیست و علت آن نیز تاکنون بررسی نشده است. در تصویری که گذار از مناره مسجد پامنار زواره ارائه کرده، سرپوش مناره فرو ریخته است (گذار و دیگران، ۱۳۷۱: ج ۳ و ۴، ۱۲۹). اما برخلاف مناره مسجد جامع کاشان، این ریختگی تنها منحصر به نما نیست بلکه ساختار مناره را به کلی تحت‌تأثیر خود قرار داده است. از این‌رو با وجود شباهت بسیار شکل حروف و عناصر تزیینی کتیبه، شیوه ساخت در این دو مناره یکسان نیست.



تصویر ۱۷: مناره آسب‌دیده مسجد پامنار زواره (گذار و دیگران، ۱۳۷۱: ج ۳ و ۴، ۱۲۹)

بر اساس مطالعات پترسنروی مناره زواره، مناره این مسجد در سال ۴۶۱ق به بنای اولیه افزوده شده است (Peterson, 1977)؛ یعنی پنج سال پیش از مناره کاشان. بنابراین گسترش مساجد و رسیدگی به آن‌ها در همان سال‌ها مورد توجه بوده است. در مسجد زواره این گسترش و رسیدگی با تغییراتی در طرح بنا و افزودن مناره به آن همراه بوده، اما به نظر می‌رسد که در کاشان این رسیدگی در قالب بهبود بخشیدن به وضع مناره موجود صورت گرفته است؛ به این معنی که مناره کاشان در سال ۴۶۶ هجری قمری از اساس ساخته نشده بلکه به نمای آن چیزهایی افزوده شده است. به عبارت دیگر، اگر ساختمان مناره از بنیاد در دوره سلجوقی برپا شده بود، با توجه به هم‌زمانی نسبی با مناره زواره و شباهت‌های ظاهری با آن، می‌بایست با فن و شیوه‌ای مشابه مناره زواره ساخته می‌شد. حال آنکه تصاویر هر دو مناره پس از آسیب نشان می‌دهد در شیوه اجرای آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد.

بررسی تزیینات
آجری مناره
مسجد جامع کاشان

بنابراین می‌توان گفت که جان‌مایه و ساختمان مناره کاشان مربوط به دوره‌ای پیش از



سلجوقی است و در دوره سلجوقی تنها نمایی بدان افزوده شده است. از طرفی توجه به محتوای کتیبه و کاربرد صفاتی همچون «جلیل» که از القاب متداول در دوران آل بویه، آل باوند و آل کاکویه است (بلر، ۱۳۹۴)، سیاق شکل‌گیری اثر را تا حدودی روشن می‌کند و نشان می‌دهد که با وجود تقارن تاریخ کتیبه با دوره سلجوقی، حال و هوای کلی همچنان متأثر از دوره‌های ماقبل است. در مطالعات تاریخ شهر کاشان نیز مسجد جامع شهر به همراه بخشی از بازار، به‌عنوان عناصر شهر در دوره آل بویه تلقی شده‌اند (بیرشک، ۱۳۷۵: ۳۸۳ و ۳۸۴). از این رو فرض تعلق مناره به دوره پیش از سلجوقی محتمل است اما تأیید یا رد آن به پیگردی در محل نیاز دارد.

۷. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، پس از مستندنگاری تزیینات مناره مسجد جامع کاشان در وضع فعلی، و قیاس آن‌ها با تزیینات مناره‌های هم‌دوره و نیز با بررسی اسناد تصویری مشخص شد که این مناره در شکل و نیز در فن اجرای تزیینات آجری، با سایر نمونه‌ها تفاوت دارد. از حیث شکل و ظاهر، سادگی و یکدستی سطح مناره کاشان با سایه‌روشن‌ها و احجام متنوعی که بر سطح سایر مناره‌ها هویداست، مغایر است. با بررسی تصاویر قدیمی مناره معلوم شد که پیش از تعمیرات دهه ۱۳۵۰ش، نمای آجری مناره صورتی متفاوت با وضع موجود داشته است. از جمله اینکه نواری از آجر لعاب‌دار که احتمالاً پیش از فروریختن نما، بر میانه مناره وجود داشته است، در وضع موجود دیده نمی‌شود. همچنین ابعاد و اندازه و نظم نقوش لوزی‌شکل پس از مرمت دچار تغییر و به‌هم‌ریختگی قابل توجهی شده است. در کتیبه نیز با وجود آسیب‌های جزئی، کلمات پایانی سطور بدون توجه به صورت قبلی، تغییر یافته‌اند. از لحاظ فن ساخت، نبود هشت‌وگیری و پیوستگی میان نما با ساختار اصلی مناره وجه تمایز این مناره با سایر نمونه‌ها به حساب می‌آید. مقایسه این مناره با مناره مسجد پامنار زواره نشان داد که هر دو حاصل رسیدگی به اوضاع مساجد در نیمه قرن پنجم هستند. این بهبود بخشیدن اوضاع مسجد، در زواره با افزودن یک مناره به آن و در کاشان با تزیین و نماسازی مناره‌ای از پیش موجود، نمود یافته و از این رو پوسته بیرونی مناره کاشان از کالبد اصلی آن مجزاست. مطالعه محتوای کتیبه و توجه به صفات و واژگان به‌کاررفته در آن نیز مؤید همین موضوع است. بنابراین این فرضیه بسیار محتمل است که مناره کاشان، نه یک اثر سلجوقی بلکه بازمانده از مسجد در دوران آل بویه باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: عالمی، کمالی و اسدی ۱۳۹۸، ۷-۱۶.
۲. در کتاب *تاریخ کاشان* آمده است: «یکی دیگر از بناهای معظمه کاشان مسجد جامع است که در محله میدان کهنه شهره قرب زیارت پنجه‌شاه مسجد عالی عظیم در تحت گنبدی بزرگ و از گچ و آجر و کاشی ساخته شده و در طرف جنوب آن مسجد یک مناره رفیع که بر فرازش از چوب گلدسته ساخته‌اند برای اذان اخبار و مناجات شب‌خوانان بنیاد کرده‌اند» (ضرابی، ۱۳۷۸: ۴۲۵).
3. d'elegantes mosaïques de briques monochromes (Dieulafoy, 1887: 199)
۴. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به قرار داشتن بخشی از پلکان درون معبر و نیز دسترسی به بام مسجد از طریق گشودگی جداره جلوخان اشاره کرد. در وضعیت فعلی، پلکان در معبر قرار ندارند و کاملاً درون جلوخان جای گرفته‌اند. راه دسترسی به بام نیز مسدود شده است.
۵. در مناره زین‌الدین، در محل این نوار، آجرهای لعاب‌دار نصب بوده است و در وضع موجود و پس از مرمت مناره هنوز می‌توان رد آجرهای لعاب‌دار را دید.

منابع

۱. آزاد، میترا، ۱۳۹۳، «بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی (چهل دختران اصفهان، تاریخانه دامغان و مسجد جامع ساوه)»، *مجله مطالعات معماری ایران* (۵): ۳۹-۵۶.
۲. ارجمندفر، مسعود و زمانی‌فرد، علی، ۱۳۸۷، «منار عنصر هویت‌بخش در مسجد جامع کاشان»، دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، کرمان.
۳. بلر، شیلا، ۱۳۹۴، *نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین*، ترجمه مهدی گلچین‌عارفی، تهران: فرهنگستان هنر.
۴. بیرشک، ثریا، ۱۳۷۵، «چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری شهر کاشان در بستر تاریخ»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد سوم)، سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
۵. پوپ، آرتور اپهام و اکرم‌من، فیلیس، ۱۳۸۷، *سیری در هنر ایران*، تدوین سیروس پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۸، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین و گردآوری غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
۷. خزاعی، رضا و منصوری، سولماز، ۱۳۹۵، «مطالعه تزیینات آجری در مناره‌های دوره سلجوقی استان اصفهان»، *مجله نگارینه هنر اسلامی* (۱۲): ۷۲-۸۶.
۸. دیولافوا، ژان، ۱۳۷۱، *ایران، کلاسه و شوش*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
۹. ساروخانی، زهرا، ۱۳۹۱، *کاشان قدیم*، کاشان: کاشان: سوره تماشا.
۱۰. ضرابی، عبدالرحیم کلانتر (سهیل کاشانی)، ۱۳۷۸، *تاریخ کاشان*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

۱۱. عالمی، بابک، کمالی، صدیقه، و اسدی، نغمه، ۱۳۹۸، «نخستین یادگار دوران اسلامی کاشان: بررسی فرم، سازه و تزیینات و شیوه ساخت مناره مسجد جامع کاشان»، *مجله مطالعات معماری ایران* (۱۵): ۲۵-۵.
۱۲. قزوینی رازی، عبدالجلیل، ۱۳۵۸، *التقصص*، تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۳. گدار، آندره، و دیگران، ۱۳۷۱، *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشار آستان قدس رضوی.
۱۴. مساحی خوراسگانی، مریم، ۱۳۹۵، «مطالعه تطبیقی اجرای کتیبه‌های کوفی آجری در پنج بنای سلجوقی در اصفهان»، *مجله مطالعات تطبیقی هنر* (۳): ۲۷-۴۰.
14. Schroeder, Eric, 1936, Perminilari note on work in Persia and Afghanistan, *Bulletin of the American Institute for Persian art and archaeology* 3 (4): 130-135.
15. Dieulafoy, Jane, 1887, *La Perse, la Chaldee et la Susiane*, Paris: Hachette.
16. Peterson, Samuel, 1977, The Masjid-i Pa Minar at Zavareh, *Artibus Asia* (39): 63-64.